



برگ ریزان

ویل دورانت

برگ ریزان

کلام آخر دربارهٔ
زندگی، عشق، جنگ و خدا

ترجمهٔ پویان رجایی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: دورانت، ویلیام جیمز، ۱۸۸۵ - ۱۹۸۱ م. Durant, William James
عنوان و نام پدیدآور: برگ‌ریزان (کلام آخر درباره زندگی، عشق، جنگ و خدا) ترجمه پویان رجایی
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۵۳۱-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Fallen leaves: last words on life, love, war, and god,
۲۰۱۴
موضوع: فلسفه آمریکایی -- قرن ۲۰ م.
رده‌بندی کنگره: B ۹۳۴
رده‌بندی دیویی: ۱۹۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۵۰۳۰۴



■ برگ‌ریزان

ویل دورانت
ترجمه پویان رجایی
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
چاپ و صحافی: کهنمویی‌زاده
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۸، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

   @ketabeparseh



وبل دورانت (۱۸۸۵ - ۱۹۸۱)

تاریخ‌نگار و نویسنده آمریکایی

مهم‌ترین اثر او تاریخ تمدن، مجموعه کتابی یازده جلدی است که با همکاری آریل دورانت، همسرش، نوشته است. وی در این کتاب توانسته با استفاده از آثار مورخان دیگر (از هرودوت تا آرنولد توین‌بی) مکتبی نوین از تاریخ‌نگاری را به‌وجود بیاورد.

از دیگر آثار او:

درباره معنی زندگی، لذات فلسفه، قهرمانان تاریخ، دعوت به فلسفه و...

فهرست

۹	توضیح ناشر.....
۱۱	مقدمه.....
۱۹	پیش‌گفتار.....
۲۳	زندگی ما آغاز می‌شود.....
۲۷	دربارهٔ جوانی.....
۳۳	دربارهٔ میانسالی.....
۳۹	دربارهٔ کهنسالی.....
۴۳	دربارهٔ مرگ.....
۴۷	جان‌های ما.....
۵۵	خدایانِ ما.....
۶۱	دربارهٔ دین.....
۶۹	دربارهٔ ظهوری دوباره از نوعی دیگر.....
۷۷	دربارهٔ دین و اخلاق.....
۸۷	دربارهٔ اخلاق.....
۹۵	دربارهٔ نژاد.....
۱۰۱	دربارهٔ زنان.....

۸ ■ برگ‌ریزان

۱۰۷.....	دربارهٔ جنسیت
۱۱۱.....	دربارهٔ جنگ
۱۲۱.....	دربارهٔ ویتنام
۱۲۹.....	دربارهٔ سیاست
۱۳۹.....	دربارهٔ سرمایه‌داری و کمونیسم
۱۴۹.....	دربارهٔ هنر
۱۵۷.....	دربارهٔ علم
۱۶۳.....	دربارهٔ آموزش
۱۸۵.....	دربارهٔ فضاوت تاریخ
۲۰۷.....	یادداشت‌ها

توضیح ناشر

این آخرین کتاب ویل دورانت و نیز شخصی‌ترین کتاب اوست. او پس از خلق آثاری در زمینه‌های فلسفه و تاریخ و درآمیختن هر دو این موضوعات در برخی کتب دیگر، بر آن شد تا تجربه‌ها و اندیشه‌های انباشته در سال‌های پایانی عمرش را در قالب این کتاب عرضه کند. دورانت «برگریزان» را در شرایطی نوشت که ایالات متحده و غرب، جنگ‌های جهانی قرن ۲۰، رکود بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۳۰، ظهور کمونیسم، سلطه سرمایه‌داری و زوال باورهای دینی و فروریزی یکسری ارزش‌های اجتماعی را تجربه کرده بود. آنچه او در این کتاب دربارهٔ دین و اخلاق به نگارش درآورده، زایدۀ چنین شرایطی است و به‌طور کلی به چالش‌های انسان مدرن غربی نظر داشته است. به عنوان نمونه، در صفحات ۵۰ تا ۸۵ که به دین و اخلاق پرداخته است، عموماً پیکان انتقاد خود را روانهٔ آن نوع دین‌مداری‌ای می‌کند که اساسی مسیحی - قرون وسطایی دارد و به جای آنکه به تحول، زایایی و معنویت بشر یاری برساند، او را به موجودی بی‌اختیار و گریزان از دین تبدیل کرده بود. مطابق درسی که از نسبی‌اندیشی و تفکر نقادانهٔ ویل دورانت می‌گیریم، می‌توان گفت که آنچه در فصل‌های «دربارهٔ دین» و «دربارهٔ اخلاق» خواهید خواند، بر اساس چنین ذهنیتی نوشته شده و بنابراین باورمندان را همراه می‌کند و باورمندان دیگر را ناهمراه و منتقد.

مقدمه

مشغول نوشتن کتابی هستم به نام برگ‌ریزان که در آن صرفاً به بیان احساساتم نسبت به برخی نویسندگان دوران مان و مشکلات این عصر می‌پردازم. -ویل دورانت (در مصاحبه‌ای تلویزیونی، ژانویه ۱۹۶۸)

دورانت در حال کار بر روی کتابی است به نام برگ‌ریزان. او می‌گوید: «این کتاب چندان متمرکز نیست و به آن دسته پرسش‌هایی که نظرم را درباره دولت، زندگی، مرگ و خدا جویا شده‌اند پاسخ می‌دهد.»

-سنت پترزبورگ تایمز، ۱ نوامبر، ۱۹۷۵

دورانت کتابی در دست دارد با عنوان موقتی «برگ‌ریزان». او گفته: «در این کتاب - با کمک احتمالی آرپل^۲ - قصد دارم به تمام پرسش‌های مهم، جوابی ساده، منصفانه و عاری از کمال‌گرایی بدهم.»

-بی.بی.سی. ایندپندنت^۳، ۶ نوامبر، ۱۹۷۵

1. St.Petersburg Times

۲. Ariel: همسر ویل دورانت

3. B.B.H. Independent

دورانت از تعطیلات اروپایی‌اش استفاده می‌کند تا کتابی را به اتمام برساند که به گفته خودش کتاب کوچکی است از فکری‌هایی پراکنده درباره همه چیز. او هر آن که فرصتی پیدا می‌کند، در دفتر یادداشت زردرنگش شروع به نوشتن می‌کند و قصد دارد پیش از بازگشت به خانه در ماه آتی، برای دریافت مدرک افتخاری مشترکی با همسرش، آن را به پایان برساند. دورانت گفته: «دغدغه تمام کردنش را دارم، چیز زیادی از جان و توانم باقی نمانده است.»

لس‌آنجلس تایمز^۱، ۲۶ مه، ۱۹۷۸

همین و بس. در چهار گزارش کوتاه درباره کتابی که هیچ‌کس، حتی وارثان دورانت، هم از وجود آن خبر نداشتند. جز آنکه از سر تقدیر در لس‌آنجلس زندگی می‌کردید، جایی که مصاحبه تلویزیونی فوق در ۱۹۶۸ پخش شد و از سه مقاله روزنامه، دو تای آن‌ها در آن شهر، اواسط و اواخر دهه ۱۹۷۰ منتشر شدند، امکان نداشت از اینکه دورانت حتی فکر نوشتن چنین کتابی را داشته با خبر می‌شدید. بی‌شک باعث ناامیدی است.

گمان می‌رفت این مهم‌ترین کتاب دورانت باشد. نقطه پایانی بر شصت و چند سال تحقیق درباره فلسفه‌ها، ادیان، هنرها، علوم و تمدن‌های جهان. این کتاب قرار بود نتیجه‌گیری سنجیده‌ای باشد درباره مشکلات ابدی و لذات بزرگ نوع ما و چکیده‌ای باشد از دانایی مردی که نه تنها درباره زندگی مطالعه کرده، بلکه آن را در برخی از ژرف‌ترین و متحول‌کننده‌ترین لحظات جهان از سر گذرانده بود - دو جنگ جهانی، رکود بزرگ اقتصادی، ظهور سوسیالیسم و آنارشیسم، زوال باورهای مذهبی و تغییر تدریجی اخلاقیات آمریکایی از دوران ویکتوریایی به وودستاک^۲. دورانت در ۱۸۸۵ به دنیا آمده بود، زمانی که وسایل غالب حمل و نقل

1. Los Angeles Times

۲. Woodstock: فستیوال موسیقی راک که در ۱۹۶۹ آغاز شد، بیش از چهارصد هزار نفر را دور هم گرد آورد. شعارش «سه روز موسیقی و صلح» بود و نقطه تعیین‌کننده‌ای در پیدایش فرهنگی بود که counterculture یا پادفرهنگ نام گرفت و تأثیر بسیاری بر فرهنگ و اخلاقی داشت.

عمومی بین شهری، اسب و کالسکه بود. او در ۱۹۸۱ در گذشت- دوازده سال بعد از آنکه انسان برای اولین بار قدم بر کرهٔ ماه گذاشت. او شاهد تغییرات بسیاری بود- و چه دوره‌های جالب و بعضاً قابل پیش‌بینی‌ای از رفتارهای انسانی را شاهد بود! نمونه‌هایی چنین، به‌ویژه وقتی در برابر پس‌زمینهٔ تاریخ بشر قرار بگیرند، بی‌گمان ارزش آن را دارند تا برای استفاده و آموزش نسل‌های آتی، به اشتراک گذاشته شوند. برای مثال، دربارهٔ اعتقاد دینی چه می‌توان گفت اکنون که داروین و علم، خدا را از تخت حکمرانی‌اش در آسمان پایین کشیده و به‌جایش چیزی جز تشویش حزن‌انگیز اگزستانسالیست‌هایی چون ژان پل سارتر^۱ باقی نگذارده‌اند؟ چه چیزی در ذات ما هست که گویی جنگ و ستیز را ناگزیر می‌سازد؟ و معنای ژرف‌تر عشق و شادی چیست؟ مقصود هنر چیست؟ چه راهکارهای آموزشی بهتری وجود دارد، و چه چیزهایی مردان را - یا دست کم، مردی را - مجذوب زنی می‌کند؟ در کتاب، پاسخ سوالاتی آمده بود که فقط متفکر و نویسنده‌ای در سطح دورانت می‌توانست پاسخ دهد. برای کسانی که به‌دنبال معنایی برای زندگی یا راهنمایی دوستی فرهیخته در مسیریابی سفر زندگی بودند، این کتاب بر آن بود تا پیامی باشد با بینشی ژرف. همچنین این همان دست‌نوشته‌ای بود که باور می‌رفت به طرز عجیبی «گم» شده باشد.

تنها بعد از اینکه کار انتقال آرشیو دورانت به خانه‌ام در اونتاریو^۲ کانادا را برعهده گرفته بودم، از این نسخهٔ اصلی با خبر شدم. و این کار در نتیجهٔ چندین ماه بررسی جزء به‌جزء بریده‌های جراید، مقاله‌های قدیمی، نامه‌ها، گفتگوهای ضبط شده، فیلم‌های کهنه و نیمه‌فاسد، مقاله‌های مجلات و دست‌نوشته‌های مبهم که بن‌مایهٔ برخی از مجلدهای تاریخ تمدن شدند، رخ داد. در این دوره، البته اتفاقات غافلگیرکنندهٔ خوشایندی هم پیش آمد؛ در صدرشان کشف نسخهٔ اصلی دست‌نوشتهٔ دکتر دورانت از کتاب قهرمانان تاریخ^۳ بود و گفتارهایی صوتی که او با همسرش

1. Jean-Paul Sartre

2. Ontario

3. *Heroes of History*

آریل برای این پروژه ضبط کرده بودند (که طی نود و سه سال عمر دوران‌ت نوشته و ضبط شده بودند)؛ از قرار معلوم، دوران‌ت در این هنگام هنوز تا اندازه‌ای مشغول کار بر روی برگریزان بوده، اما حتی بعد از یافتن قطعات مسحورکننده‌ای که در بالا آمد، همچنان کوچک‌ترین شاهدهی بر اینکه چنین نسخه‌ای اصلاً وجود داشته باشد به دست نیامد. از آنجا که آرشیو دوران‌ت کمی پس از مرگش توسط دفاتر بایگانی به دقت گلچین شده بود، می‌دانستم مطلقاً تمام آنچه را دوران‌ت نوشته است ندیده‌ام. برای تماس با این دفاتر بایگانی، با نوّه دوران‌ت، مونیکا میهل^۱، تماس گرفتم تا دست کم ببینم از نوشته‌های دوران‌ت چه چیزهایی در موجودی‌شان دارند، بعضی‌هاشان همکاری کردند بعضی حتی تلفن را هم جواب ندادند.

و بعد به دفتر بایگانی‌ای برخوردیم که گفتند از مجموعه‌شان کپی‌هایی به منزل دوران‌ت فرستاده‌اند که شامل نامه‌هایی بین ویل و آریل و همچنین متن منتشر نشده‌ای با عنوان برگریزان می‌شد!

جستجوی گسترده‌ای که مونیکا و من در آرشیو دوران‌ت انجام دادیم، همراه با تلاش‌های بی‌دری برای به دست آوردن کپی دیگری از این دفتر بایگانی - حتی تماس با فردی که امکان داشت این متن گرانبها را در اختیار داشته باشد - بی‌نتیجه ماند. دفتر بایگانی گفت از نسخه‌های موجود فتوکپی‌هایی به آدرس دوران‌ت فرستاده‌اند و بیش از این، اقدامی نخواهند کرد.

و سپس مونیکا خانه‌اش را فروخت و هنگام بسته‌بندی اثاثیه به جعبه‌ای برخورد که رویش نوشته شده بود کپی‌های دوران‌ت، و چه‌ها که پیدا نکردیم، داخل جعبه نه تنها ۲۱۰۰ صفحه از مکاتبات ویل و آریل دوران‌ت (که به خودی خود شگفت‌انگیز بودند و بی‌گمان ارزش انتشار داشتند؛ و در واقع برخی از آن‌ها را خود دوران‌ت‌ها در سال ۱۹۷۷ در کتاب زندگی‌نامه دو گانه منتشر کرده بودند) که پیش‌نویس‌های متعددی از متن برگریزان پیدا شد. گمشده اینک پیدا شده

1. Monica Mihell

2. A Dual Autobiography

بود و شناساندنش ممکن. نتیجه، کتابی است که اکنون در دست دارید - آخرین کار منتشر نشده ویل دورانت.

بر گریزان شاید شخصی‌ترین کتاب ویل دورانت باشد، از این جهت که در آن، نظرات خود (نه نظرات دیگران مثل دولتمردان و فیلسوفان برجسته) را دربارهٔ مسائل اساسی زندگی، سیاست، دین و جامعه بیان می‌کند. این کتاب دست‌کم از یک دیدگاه مرجعی عالی است؛ اینکه مگر ما همه، در نقطه‌ای از زندگی، خواستار مشورت با فردی خردمندتر نبوده‌ایم؟ و برای نظرخواهی دربارهٔ سخت‌ترین دغدغه‌ها و مشکلات اجتماعی چه کسی بهتر از کسی که نه تنها آن‌قدر زندگی کرده که تمامی تنگناهای گوناگون پرخطر زندگی را از سر گذرانده، که علاوه بر آن، عملاً به‌خاطر خرد و دانش گسترده‌اش دربارهٔ تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها شناخته شده است، و سفرهای چندین باره‌اش به جای‌جای جهان موجب شده تا درک بهتری دربارهٔ رفتار انسانی کسب کند؟ در بر گریزان، گفته‌های دورانت از هر زمان دیگری خردمندانه‌تر و گویاتر است؛ خواندنش لذت‌بخش است (همچنانکه پیش‌تر نیز نوشته‌هایش چنین بوده) و برخلاف بسیاری از فیلسوفان که مبهم‌گویی را خوش دارند، دانش و توصیه‌های دورانت نه تنها کاربردی بلکه برای مردمان عادی قابل‌درک‌اند.

دورانت، نوشتن بر گریزان را - آن‌طور که از بخش‌هایی که همگی تاریخ‌نگارش داشتند برمی‌آید - در بیست مارس ۱۹۶۷ آغاز کرد، تقریباً یک سال پیش از انتشار کتابش درسهایی بر تاریخ^۱، و همزمان با انتشار تفسیرهایی بر زندگی^۲. و از آنجا که تا اواخر دههٔ ۱۹۷۰ از این کتاب در مصاحبه‌هایش نام برده، به‌نظر می‌رسد بیش از یک دهه روی این کتاب کار کرده باشد.

ایدهٔ کلی دورانت این بوده که دیدگاه‌هایش را دربارهٔ مسائل گوناگون اجتماعی، دینی و سیاسی بازگو کند (این امر را با بازنگری و تصحیح برخی نوشته‌های پیشین و کمتر شناخته‌شده‌اش دربارهٔ موضوعاتی خاص انجام داد و بدین شکل محتوای

کاملاً تازه‌ای برای نوشته‌های دیگرش پدید آورد) و در مرحلهٔ بعد، به بررسی ادبیات و فلسفهٔ مدرن (قرن بیستمی) گریزی بزنند. او حتی یک فصل از بخش دوم این کتاب دُشوار را به پایان رسانده بود تا اینکه، از قرار معلوم، از بیان نظراتش در آن باره، بدون همیاری آریل، آزرده شد. در این نقطه، آریل را وارد این پروژه کرد و در نتیجه بخش دوم کتاب به قدری مفصل و حجیم شد که خود به صورت کتابی مجزا در آمد. و با همان شکل مجزا هم با عنوان تفسیرهایی بر زندگی در سال ۱۹۷۰ به چاپ رسید. این شیوه‌ای بخردانه بود چون سبب شد کار از بررسی و تفسیر یک فرد دربارهٔ زندگی فراتر برود و به کتاب‌های گوناگون، هنرها و فلسفه‌های شخصی بیست و شش رمان‌نویس، شاعر و فیلسوف دیگر بپردازد. بعد از انتشار تفسیرهایی بر زندگی، دورانث به کار روی برگریزان برگشت و تا زمان مرگش در هفتم نوامبر ۱۹۸۱ کار روی آن را ادامه داد.

دورانث در سال‌های واپسین عمرش به طرز بی‌سابقه‌ای پرکار بود، نه تنها کار روی برگریزان را پیش می‌برد، که برای نوشتن کتابی که در نهایت قهرمانان تاریخ نام گرفت و برای ضبط خوانش‌اش از این کتاب (آخرین اثرش دربارهٔ تاریخ فلسفه) زمان می‌گذاشت. با این وجود، برگریزان پروژهٔ محبوبش بود. از آنجا که نوشتن دربارهٔ تاریخ در سری کتاب‌های تاریخ تمدن، چیزی بود که ناشرش و عموم از او انتظار داشتند، انجام آن به صورت بی‌طرفانه و بدون آوردن نظرات شخصی، ایجاب می‌کرد که آرا و عقایدش را ناگفته بگذارد تا حق مطلب را دربارهٔ افکار دیگران بجا آورد. و انسان تا کوتاه‌زمانی می‌تواند جلوی زبانش را دربارهٔ مسائل پر اهمیت بگیرد. اینکه دورانث توانسته بود بیش از چهل سال چنین کند خود از شگفتی‌هاست. همان‌طور که خودش در پیشگفتار اشاره می‌کند، طی سال‌ها نامه‌هایی به دستش رسیده بود: «از خوانندگان کنجکاوی که مرا برای بیان نظراتم دربارهٔ پرسش‌های همیشگی زندگی و سرنوشت انسان به چالش می‌کشیدند.» - و او با برگریزان به این چالش‌ها پاسخ داد. با ابراز دیدگاه‌هایش دربارهٔ دامنهٔ گسترده‌ای از مضامین؛ از جنسیت گرفته جنگ، مراحل مختلف زندگی، تا ذهن

و جان ما، تا مسائل مهم اجتماعی مانند تبعیض نژادی، جنگ ویتنام که آن زمان در جریان بود، دولت رفاه و مشکلات آن و نیز دستاوردهای هنر و علم. بعضی منتقدان ممکن است به بحث‌های گاه پدرمآبانه دوران‌ت درباره زنان در این کتاب خرده بگیرند. با این حال باید به یاد داشت که او، در هماهنگی با پیکره کلی آثارش، خود را نه خارج از زمان، که آگاهانه درون آن جای می‌داد. به‌واقع هم، درست به‌همین دلیل، نظراتی که در بر گریزان بیان می‌کند پرتین و رسا هستند. این نظرات، خرد به‌دست‌آمده از مردی هستند که خود را غرق در هزاره تاریخ کرد، تاریخی که او همواره اذعان می‌کرد خود جزئی کوچک از تمامیت‌اش بیش نیست (به قول خودش، «قطره‌آبی که سعی در تحلیل دریا دارد»). همان‌طور که خواننده باید از بخش «درباره ویتنام» آگاهی تاریخی درباره قدرت یک ملت، ایدئولوژی و جاه‌طلبی‌های امپریالیستی به‌دست بیاورد، همچنین باید از لیبرالیسمی (ایمان عمیق به آزادی و برابری و گسترش آن‌ها) را که بارها از آن سخن به‌میان می‌آید، هر چند بسیار آرمان‌گرایانه باشد، در تمام این بخش‌ها بشنود. چنین تمایلی، به باور من، به خوانندگان اجازه می‌دهد تا از تمام خرد جاری در این بخش‌ها لذت ببرند بی‌آنکه درگیر یک عبارت یا پاراگراف خاص شوند. مانند شخصیت‌های تاریخی‌ای که دوران آن‌ها را در آثارش جای داد، خود او نیز بی‌گمان سزاوار آن است که از مزیت نگرش درون‌متنی^۱ بهره‌مند شود.

باری، این، متن «گمشده» (و تقریباً هرگز شناخته‌نشده) و آخرین اثر دوران‌ت، برای آیندگان است. این اثر حاوی اندیشه‌هایی محکم، نثری زیبا، و دانشی عمیق درباره وضعیت بشری است که زاده یک عمر مطالعه بر روی فرهنگ‌های مختلف، هنرها، علوم و تاریخ انسانی است - و تنها ویل دوران‌ت از پس نگارش آن برمی‌آمد. کشف آخرین نوشته نویسنده بزرگی همچون ویل دوران‌ت، پس از سی سال از درگذشت‌اش، به‌یقین واقعه ادبی بزرگی محسوب می‌شود، نه تنها

1. contextualization

برای دوستداران تاریخ و فلسفه، همچنین برای آن‌ها که نثری گیرا و خواندنی را گرامی می‌دارند. برای این افراد، یقیناً برگ‌ریزان ارزش این انتظار را داشته است. جان‌لیتل^۱

1. John Little

پیش‌گفتار

خودستایی همپای سن آدمی افزایش می‌یابد. اینک من پا به نود و پنج سالگی می‌گذارم و تاکنون باید هنر سکوت را آموخته، و دانسته باشم که هر خواننده فرهیخته‌ای پیشاپیش از همه نظریات - و خلاف آن‌ها - مطلع است. با این همه، اینجا و اکنون، با دلی هراسناک و شتابزده، قصد بیان تفکراتم درباره همه چیز را به دنیا - یا دست کم به یک صدم میلیونم آن - دارم. مضحک‌تر این است که آدمی به سن من عمیقاً و امدار روش‌ها و دیدگاه‌های جوانی‌اش است و می‌توان گفت از لحاظ ذهنی عاجز از درک و فهم جهان مدام در حال تغییری است که از هر سو به او هجوم می‌آورد، و او سعی دارد از آن جهان به راه و رسم آشنای گذشته‌اش یا به گوشه امن خانه‌اش بگریزد.

پس نوشتنم دیگر برای چیست؟ بهانه خودپسندانه‌ام، نامه‌هایی هستند از خوانندگان کنجکاوی که مرا برای بیان نظراتم درباره پرسش‌های همیشگی زندگی و سرنوشت انسان به چالش می‌کشیدند. اما در حقیقت، دلیل اصلی نوشتنم - سواى خودشیفتگی‌ای که در پس همه نوشتن‌ها وجود دارد - این است که خود را از انجام هر کار مشتاقانه و شخصی دیگری، جز نوشتن، عاجز می‌بینم. می‌خواهم

بازبانی بی‌تکلف و خودمانی، خالی از شکوه و جلالِ مبهم‌سرای، بگویم حالا که پای لب‌گور دارم، از آن معماهای بنیادینی که چند سال پیش آنچنان بی‌پروا با آن‌ها در کتاب‌هایم فلسفه و مسئلهٔ اجتماعی^۱ (۱۹۱۷)، داستانِ فلسفه^۲ (۱۹۲۶)، دورهٔ گذار^۳ (۱۹۲۷)، لذات فلسفه^۴ و دربارهٔ معنی زندگی^۵ (۱۹۳۲) دست‌وپنجه نرم کردم، چه چیزی دریافته‌ام. می‌دانم که زندگی در ذاتِ خود، یک راز است. رودخانه‌ای است که از سرچشمه‌ای پنهان می‌جوشد و در پیدایش آن ظرافتی است تمام‌ناشدنی؛ «گنبدی متشکل از هزاران آبگینهٔ رنگین»، برای تفکر بسیار پیچیده است و برای بیان پیچیده‌تر.

و با این همه، عطشِ یگانگی همچنان مرا به خود می‌خواند؛ تا این گسترهٔ تجربه و تاریخ را رسم کنم، آینده و تابش لرزان و ناپایای گذشته را به کانون وضوح بیاورم، ورطهٔ حس و هوس را قدر و معنایی ببخشم، مسیر جریان شکوهمند زندگی را کشف کنم، و بدین طریق شاید تا اندازه‌ای بر جریان آن تسلط یابم: این شهوت سیری‌ناپذیر متافیزیکی، یکی از نمودهای والای سرشت پرسشگر ماست. توان درک ما از آنچه در دسترس ماست فراتر می‌رود، اما از همین روست که توان دستیابی ما، از آن توان درک هم فراتر است.

پس بیایید تلاش کنیم، اگر چه بیهوده، تا هستی انسان را در شکلی یگانه ببینیم، از لحظه‌ای که ناخواسته روانهٔ این جهان می‌شویم تا چرخه‌ای که تخته‌بند آنیم دور کاملی می‌زند و به منزلگاه مرگ می‌رسیم. و در طول این مسیر که از دوره‌های زندگی انسان می‌گذریم - از کودکی، جوانی، بلوغ و کهنسالی - بیایید با مسائل اصلی فلسفه دربارهٔ متافیزیک، اخلاق، سیاست، دین، و هنر روبرو شویم و گشت‌وگذار کوچک‌مان با یکدیگر را تبدیل به سیاحتی به سرتاسر جهان اندیشه کنیم. در این

1. *Philosophy and the Social Problem*

2. *The Story of Philosophy*

3. *Transition*

4. *The Mansions (or Pleasures) of Philosophy*

5. *On the Meaning of Life*